

«اسطوره، رؤیا، راز» از نگاه نقد

دکتر مسعود جلالی مقدم

اگر اساطیر را نشناسیم چگونه می‌توانیم به تحلیل و تفسیر آن بپردازیم؟ و مگر برای شناخت اساطیر چاره‌ای جز شناخت اساطیر ملل و اقوام گذشته و حال داریم؟ درباره ادیان توحیدی و دینهای بزرگ در اینجا چه اندازه تحقیق انجام شده، و چه تعداد کتاب معتبر به زبان فارسی ترجمه شده است؟ از دین مندایی یا صابئی چه می‌دانیم، و حتی در مورد نزدیکترین ادیان به اسلام، یهودیت و مسیحیت، کدام تحقیقات دامنه‌دار و تخصصی انجام گرفته است؟ با تأسف بسیار باید گفت که در همه این موارد (در حقیقت بجز دین مزدایی) کار شایسته‌ای در زبان فارسی انجام نشده و دانش ادیان هنوز در کشور ما جا نیفتاده و خطوط اصلی کار در این زمینه مشخص نشده است. با این اوصاف، هر از گاهی تفسیری از دین از دیدگاه روانشناسی ژرفا، یا از منظر پدیدارشناسی عرضه می‌شود، و اکثر اینها نتیجه «طبع‌آزمایی» غیرمتخصصان (با نام «ترجمه») است.

اخیراً ترجمه یکی از این آثار به دستم رسید. پیداست که مترجم محترم کوشش بسیار در فراهم آوردن ترجمه‌ای دقیق داشته است، و کتاب چاپ پاکیزه و زیبایی هم دارد. لکن، ترجمه به سبب عدم تتبع کافی مترجم در قلمرو ادیان خالی از نواقص نیست. نگارنده می‌خواست از اظهار نظر در مورد این کتاب هم - مثل سایر موارد - بپرهیزد، اما تذکر خطاهای یک اثر - در میان آثاری که این روزها مرتباً وارد بازار می‌شود - ممکن است هشدار باشد به دیگران که حدود فعالیت خود را با دقت و واقع‌بینی مشخص کنند. به ویژه از ناشر محترم این کتاب انتظار می‌رفت که پیش از چاپ آن، نظر یک متخصص را جویا شود، یا با بالا بردن مختصر قیمت کتاب از یک ویراستار صاحب صلاحیت و متخصص بخواهد که آن را مرور کند؛ به خصوص که این بنگاه انتشاراتی در مدت نسبتاً کوتاه حیات خود نشان داده است که می‌خواهد در سطحی سوای ناشران بازاری فعالیت کند، و فقط به کسب درآمد نمی‌اندیشد، بلکه حقیقتاً هدفی فرهنگی را نیز دنبال می‌کند.

نام اصلی کتاب اساطیر، رؤیاها و اسرار است، نگارنده نمی‌داند که در نام فوق چه اشکالی وجود داشته که به «اسطوره، رؤیا، راز» منقلب گشته است. به علاوه، ترجمه فارسی این کتاب از روی ترجمه انگلیسی آن انجام شده و مترجم محترم در هیچ‌جا متذکر نشده است که آیا به اصل فرانسوی کتاب نیز نظر داشته است یا نه، و مطابق معمول ترجمه‌های این روزگار هم در هیچ‌جا شناسنامه متن اصلی کتاب درج نشده است. با ذکر این مقدمه، به نکاتی که در بررسی این ترجمه به نظر رسید خواهیم پرداخت، اما پیشتر لازم است متذکر شویم که این موارد فقط با مرور کتاب و بررسی اجمالی آن حاصل شده است و مسلماً بررسی تفصیلی و جزء به جزء ارزیابی دقیقتری به دست خواهد داد.

اسطوره، رؤیا، راز. نویسنده میرچا الیاده، مترجم رؤیا منجم، تهران، فکر روز، ۱۳۷۴، ۲۵۲ صفحه.

الیاده نامدارترین فیلسوف و عالم در قلمرو پدیدارشناسی دین است، همچنانکه یونگ بزرگترین روانشناس دین در عصر ماست. آوازه الیاده و آثارش در غرب و شرق، و از جمله در کشور ما، بیچیده است. لکن اعتبار او در جهان دین‌شناسی چنان نیست که علمای متخصص ادیان، حملگی، مرجعیت او را پذیرفته باشند، و حتی در بسیاری از موارد، آثار وی را از دیدگاه علمی چندان جدی نمی‌گیرند.

پدیدارشناسی دین شاخه متأخر تحقیقات تخصصی ادیان است. این حکم در مورد روانشناسی و جامعه‌شناسی و فلسفه دین نیز صادق است. اما در کشور ما که تحقیقات دینی هنوز وارد مراحل ابتدایی نیز نشده، یک پدیدارشناس دین و یک روانشناس دین ناگهان چهره‌های مطرح در ادبیات ترجمه‌ای ما شده‌اند؛ یونگ و الیاده باب روز شده‌اند، و کسانی که شاید هیچ تخصصی در زمینه ادیان ندارند وظیفه دشوار ترجمه و حتی ویراستاری آثار اینان را برعهده گرفته‌اند.

○ نمونه‌هایی از بی‌دقتی در ترجمه واژه‌ها

پیش از ذکر موارد بی‌دقتی، چند مورد از اغلاط چاپی گمراه‌کننده خاطر نشان می‌شود: در صفحه ۱۸، سطر آخر، «مواد خاصی» باید «مواد خامی» بوده باشد. در ص ۷۸، س ۵، «۴۰۰» غلط و «۴۰۰۰» درست است. در ص ۸۹، س ۱۱، مقصود از «تاری‌خندان»، «تاریخدان» است. در ص ۱۳۱، س ۱۶ «اصطلاحات» غلط و «اصلاحات» صحیح است. در ص ۱۳۳، س ۵ «تجلیلیها» باید «تجلیها» باشد. در ص ۱۹۸، س ۴، مقصود از «هیئت» چیزی جز «هیئت/هیأت» نیست، که نمی‌دانه مترجم محترم به این صورت ترجمه کرده‌اند یا غلط چاپی است.

اکنون از مهمترین بی‌دقتیهای مترجم محترم چند نمونه ذکر می‌شود. در ص ۱۱، س ۲۱، «بی‌آمد» غلط است و به جای آن باید «پویایی» (بنابر روال ترجمه این کتاب) بیاید. در ص ۳۰، س ۲۴، contemporaneity را به «معاصریت» (!) ترجمه کرده‌اند. در ص ۳۵، س ۴، spectacle را به «سرگرمی» ترجمه کرده‌اند که باید «منظر» یا «چشم‌انداز» باشد. در ص ۴۵، س ۲۳، sexual به «جنس باره» (?) ترجمه شده که مقصود از آن «دارای جنسیت» یا «دارای انگیزه جنسی» است. در ص ۴۵، س ۲۲، «محکوم به کار» (condemned to labour) ممکن نیست «محکوم به زایمان» بوده باشد؛ تا آنجا که به نظر نگارنده رسیده plane را همه‌جا به «سطح» ترجمه کرده‌اند، در حالی که بسیاری از اوقات به معنی «قلمرو» است. از جمله در ص ۹۲، س ۱ و ص ۲۲۲، س ۲، در ص ۹۴، س ۱۰ «فاکرها» (fakirs) باید بشود «فقیرها». در ص ۹۹، س ۱۵ و ص ۱۲۰، س ۱۹، speculation را به «گمانه‌زنی» ترجمه کرده‌اند حال آنکه مقصود «تفکر نظری» است. در ص ۱۱۸، س ۲۴، «آشوری» بهتر از «آسوری» است. در ص ۱۶۹، س ۵ و نیز ص ۱۷۲، س ۱۲، autochthony را به «بومیّت» (!) ترجمه کرده‌اند. در ص ۱۷۲، س آخر، به نظر می‌آید که ترجمه «داماد» برای son-in-law مناسبتر باشد تا «پسرخوانده». در ص ۱۷۵، س ۱۸، در ترجمه maturations «جهشها» آورده‌اند و پیداست که معنی آن «بلوغها» است و ظاهراً با mutations خلط شده است. در ص ۲۳۴، دو س به آخر، «رؤیا» باید بشود «رؤیابینان» (visionaries). در ص ۲۴۴، س ۱۱، «تجربه» غلط و «اضطراب» (anxiety) صحیح است.

○ چند نمونه از تلّون در ترجمه

در ص ۳۰، س ۱۴، profane را به «نامقدس» ترجمه کرده‌اند و در ص ۳۱، س ۳، به «دنیوی». در ص ۳۱، س ۳، duration را به «زمان‌گذرا» (?) ترجمه کرده‌اند و در همان ص، س ۱۶، به «سپنج» (?) و در ص ۳۴، س ۱۹، به «سپنجی». در ص ۲۷ و ۲۸،



اسطوره، رویا، راز

میرچا الیاده

ترجمه‌ی رویا منجم

distraction را نخست به «دل‌مشغولی» و سپس چندبار به «سرگرمی» ترجمه کرده‌اند. در ص ۴۱ و ۵۷، عنوان فصل (primitive) به «نخستین» و «نخستینی» ترجمه شده؛ در ص ۶۱، س ۱۹ و جاهای دیگر به «انسان نخستین»؛ و در ص ۴۱، س ۵، به «بدوی» و در ص ۷۵، س ۳، به «انسان ابتدایی» و در ص ۱۳۷، س ۱۳ و جاهای دیگر به «ابتدایی». در ص ۶۰، س ۱۸، به «باغسا/bagsa» و در ص ۷۸، س ۶، به «باغسا/Bagsa» برمی‌خوریم که هر دو مورد (bagsa) است («بِقچه»). Tierra Del Fuego در ص ۸۵، س ۶، به صورت «تیدرا دل فوئه‌گو»، در ص ۸۶، دو س به آخر «تیره‌دل فوئه‌گو» و در ص ۹۷، س آخر (و نیز در ص ۱۳۹، س ۲) به شکل «تی‌یرا دل فوئه‌گو» ضبط شده است. Magna Mater در ص ۱۴۳، س ۴، به «مادربزرگ» و در ص ۱۴۸، س ۹، به «مادراعظم» برگردانده شده است. در ص ۲۱۵، س ۲۰، monk (راهب) را به «کشیش» ترجمه کرده‌اند و در ص ۲۳۶، س ۶، به «رهرو»، و در همان ص، س ۱۷، «رهرو» در ترجمه disciple آمده است.

○ چند نمونه از ضبط نادرست نامها

«زولوها» (Zulus) در ص ۸۸، س ۶، به صورت «زولوس/Zulos» آمده است؛ و در ص ۹۷، س ۱۸، «ماتوریها» (Maoris) به صورت «ماتوریس‌ها» (!). «اکاکوروها» (Okakurus) در ص ۱۳۸، س ۹ به شکل «اکاکوروس» ضبط شده است. در ص ۲۲۸، س ۱۷ نیز «یابوان‌ها» غلط و «اهل پایوا» درست است. در ص ۳۴، س ۱۱،

مقصود از «پولنزی‌ها»، «اهل پولینزی» است. در ص ۴۲، س ۲۳، «مونتینی» (Montaigne) را «موتاین» نوشته‌اند و «یزن» (Jensen) را در ص ۴۶، س ۲، و پاورقی ۱ «جنسن» و «جنس». معلوم نیست که چرا «زونی» (Zuni) را در ص ۹۴، س ۱۷ و ص ۱۶۱، س آخر (و جاهای دیگر) به صورت «ذونی» ثبت کرده‌اند؛ جالب توجه اینکه در همان ص ۱۶۱، پاورقی ۳، و یا در ص ۱۶۵، پاورقی ۱، رافائل پتازونی (R. Pettazoni) را به شکل «پتاذونی» نام برده‌اند. در ص ۱۴۲، س ۹، «دیائوس» (Dyaus) را «دیانا» نوشته‌اند و در ص ۱۵۵، س ۲۵، «سامره» (Samaria) را به «سمریه» برگردانده‌اند. در ص ۱۰۲، س ۹، امپراتور معروف چین «شون» (Shun) را «شان» ضبط کرده‌اند و در همان ص، س آخر به جای «تائو» بهتر بود از صورت «دائو» استفاده می‌کردند. نام دودمان «جو» (یا درست‌تر: جوئو) را که در اصل کتاب به صورت Teheu ضبط شده، در ص ۱۷۲، س ۲۳ «تجو» نوشته‌اند و بر فرض که از تلفظ صحیح آن اطلاعی نداشتند، باید «چو» می‌نوشتند. نامهای طوایف سرخپوستان «سو» (Siox)، «ایروکوئوی» (Troquoi) و «ناواهو» (Navajo) به صورت «سیو»، «ایروکوآ» و «ناواجو» ضبط شده است....

«دوکهم» (Dukham) درست است....

○ چند نمونه از ترجمه واژه به واژه

یکی از بلاهایی که دامنگیر بسیاری از مترجمان می‌شود ترجمه واژه به واژه است، حال آنکه این طرز انتقال از زبانی به زبانی دیگر گاهی به کلی مختل معانی است. اگر ترجمه به طریقی باشد که معنای مورد نظر نویسنده را به خواننده منتقل نکند و یا اصولاً قابل فهم نباشد، از آن ترجمه چه سودی عاید می‌شود؟ در اینجا چند نمونه از این‌گونه موارد را در کتاب مورد بحث متذکر می‌شویم:

در ص ۱۶۹، س ۲۴، pre-existence به «پیش - هستی» (?) ترجمه شده که «هستی پیشین» بهتر است. در ص ۱۷۰، س ۴، cosmo-biological experience را به «تجربه کیهان - زیست‌شناسی» (?) ترجمه کرده‌اند (که باید «کیهان - زیست‌شناختی» می‌شد) و به هر حال بی‌معنی است و بهتر بود به «تجربه ناشی از زیست‌شناسی کیهانی» ترجمه می‌شد. در ص ۲۰۵، س ۱۶، precosmic mode of being به «شیوه پیش - کیهانی بودن» (?) ترجمه شده است که باید به «حالت ماقبل کیهانی وجود» ترجمه می‌شد. در ص ۲۰۶، س ۸ «شیطان - استادان» (?) به جای demon-masters آمده است که ترجمه رساتر آن «استادان شیطانی» است و....

○ چند نمونه از بی‌دقتی در ترجمه عبارات

تاریخ مقدمه متن اصلی در ص ۲۱، «ژوئیة ۱۹۵۷» آمده که در نسخه‌ای که در اختیار اینجانب است ژوئن ۱۹۵۶ است. بازگشت ادواری زمان بزرگ، illud tempus سرآغاز» در ص ۳۰، س ۱۵، باید بشود: «باز یافتن ادواری زمان بزرگ، آن زمان آغازها (یا «سرآغاز»، به قول مترجم محترم)؛ درباره ترجمه illud tempus بعداً سخنی خواهیم گفت. در ص ۳۱، س ۳، پس از «زمان عبادی» باید این عبارت علاوه شود: «که مسیحی در آن زندگی می‌کند». در همان ص، س ۲۰، کلمه «مشکل» زائد است و در معنا اختلال ایجاد کرده است. در ص ۴۱، س ۵، به عبارت «بدوی‌های حقیقی، نخستینی‌های نخستین» (?) برمی‌خوریم و مقصود از آن «آدمیان ابتدایی حقیقی، ابتداییترین ابتدایان» است. در ص ۶۰، س ۱۸، «بغسا» تقلیدی فوق‌العاده دقیق از صدای جانوران... نیست، بلکه کسی است که «با دقت فوق‌العاده، صدای جانوران و... را تقلید می‌کند».

در ص ۹۶، س ۲۰ تا ۲۲، به این عبارت برمی‌خوریم: «شمن در زمان رازآموزی پس از گذشتن از مرگ و رستاخیز می‌تواند وارد شرایط غیرجسمانی disearnate بدون مکافات شود» که درست آن چنین است: «شمن (یا شامان) که در زمان تشرف از مرگ و رستاخیز گذشته است، می‌تواند وارد شرایط خلع از بدن شود، در حالی که مصونیت دارد». در ص ۹۸، س ۱۶، این عبارت بی‌معنی

○ تلون در ضبط اصطلاحات سنسکریت (و به‌طور کلی هندی) در بعضی از صفحات کتاب دقت نظر جالب توجهی در ضبط واژه‌های سنسکریت (و غیرسنسکریت، اما مرتبط با آن) به چشم می‌خورد، لکن این دقت نظر خلاف روش کلی کتاب است. چند نمونه از این موارد را در اینجا متذکر می‌شویم: در ص ۸۹ و ۹۰ با اصطلاحات درست «سیدهی»، «ایدهی» و «بهیکو» برمی‌خوریم و در صفحات ۱۳۷ و ۱۴۲ اصطلاحات و اسماء «ورونه»، «ایندره»، «پرجنیه»، «وریتره»، یا در ص ۱۱۳ «ناگارجونه» را می‌یابیم. در همین ص و ص ۱۱۴ نیز با نمونه‌های دشوار «مهاپر جنییر میتاسستره» و «اگو هم اسمی لوکسه» روبه‌رو می‌شویم.

با وجود این دقت نظر، طبیعی است که انتظار داشته باشیم بقیه موارد نیز به همین ترتیب ضبط شده باشد، ولی متأسفانه چنین نیست. در ص ۹۱، س ۵، gandharva («گندهروه») را «gandhara» آورده و به شکل «گاندآرا» (?) ضبط کرده‌اند. در همان ص، س ۶، «کودده» (Kevaddha) را به غلط Kedvada آورده و در فارسی به شکل «کدوادا» ضبط کرده‌اند. در ص ۹۵، س ۹، مقصود از «مادراسن» (؟)، «مدرس» (Madras) است. «بدهی‌ستوه» در ص ۱۱۳، س ۱۳ «بودی ساتوا» شده و در ص ۱۲۳، س ۱۳، ۱۵، ۱۷ «سانکهی/سامکهی» به صورت «سامخیا» (?) ضبط شده است. «سمادهی» (Samādhi) در ص ۱۵۲، س ۱۲، به صورت «سامادی» درآمده است. در ص ۲۴۷، س ۴، «دوخم» (؟) غلط و

آمده است: «از دید جهان یعنی جهانی ابتدائی...» که احتمالاً می‌خواهند بنویسند: «از دید جهان‌بینی ابتدائی...»، زیرا اصل آن چنین است: for primitive ideology... در ص ۱۴۶، یک س به آخر، آمده است: «از آنجا که روح در زمانه‌ی ما، بیش از اندازه به دست گوشت شرطی شده است» (۱؟) که باید چنین ترجمه می‌شد: «از آنجا که روح در زمانه‌ی ما، بیش از اندازه در قید جسم قرار گرفته است». در ص ۱۴۷، س ۴، نیز از «نهان شدن واقعی روح در گوشت» سخن گفته‌اند که مقصود از آن «نهان شدن روح در کالبد» است.

در ص ۱۴۸، س ۱۹ و ۲۰، آمده است: «زمانی که اهریمن غول‌پیکر، ماهی‌شا، مشغول به وجود آوردن عالم و هستی ایزدان بود؛ با نگاهی به متن کتاب معلوم می‌شود که ترجمه باید چنین چیزی باشد: «زمانی که دیوی غول‌آسا به نام مهیسه کائنات و حتی وجود خدایان را به خطر انداخته بود». در ص ۱۷۸، س ۱۱، مقصود از «ایزد بانوی کبیر جانوران»، «بزرگ مادر جانوران» است. در ص ۱۸۰، س ۱۷ و ۱۸، عبارت «نیاک اسطوره‌ای، نمادپردازی آغاز شیوه‌ی تازه از هستی است» بهتر بود که بدین صورت می‌آمد: «نیایی اساطیری نمادی می‌شود برای آغاز حالتی نوین از هستی». در ص ۲۳۴، س ۷، آمده: «وایی نامویی ن قایقی جادویی ساخت» که چنین نیست، بلکه «وایناموین یا جادو قایقی ساخت». در ص ۲۳۶، س ۸، پس از «پس‌طبیعی» باید «ذات متبارک» علاوه شود و عبارت مبهم «رازآموز نه تنها نوزاده، که مردی مطلع است که رازها را می‌شناسد و الهامهایی در سطح متافیزیک داشته است» (ص ۲۰۴، س ۲ و ۳). ممکن بود چنین بیاید: «کسی که تشرف یافته نه فقط مولودی نوین است، بلکه انسانی است که به آگاهی رسیده، انسانی است که اسرار را می‌شناسد و از یک نظم مابعدالطبیعی مکاشفاتی (یا به قول مترجم، الهاماتی) داشته است». در ص ۲۴۴، س ۲۱، «اشباح اهریمنان و نیاکان» غلط و «دیوان» (یا به قول مترجم: اهریمنان) و روانها (یا نفوس) نیاکان» صحیح است. در ص ۲۵۰، س ۱۲، عبارت «... و حالت ناگوار تولد دوباره در شیوه‌ی بودن دیگری را آشکار می‌کند، و این شیوه‌ی است که...» در حقیقت باید چنین باشد: «... داشتن احساس قبلی از تولد مجدد در حالت دیگری از وجود را آشکار می‌کند و این حالتی است که...»

○ اشکالات مربوط به ترجمه اصطلاحات

ابتدا لازم است به چند اشکال کلی در کتاب اشاره شود. در این ترجمه، idea اکثراً به «پنداره» برگردانده شده است (از جمله در ص ۱۷۲، س ۱۲ و ص ۱۱۹، یک س به آخر)؛ نگارنده به یک مورد ترجمه به «انگاره» نیز برخورد (ص ۲۵، س ۱۳). واژه «پنداره»

شاید ابداع مترجم محترم برای این اصطلاح بسیار مهم باشد و به هر حال، برگردان دقیقی برای idea نیست؛ لااقل ای کاش در جایی متذکر می‌شدند که پنداره معادل کدام اصطلاح است. مرتبط با آن اصطلاح ideology است که به «جهان‌بینی» ترجمه شده (برای مثال در ص ۵۸، س ۲۳)؛ لکن جهان‌بینی، نه تنها در ترجمه اصطلاح دیگری در فلسفه به کار می‌رود، بلکه برای بیان معنای موردنظر به هیچ‌وجه کافی نیست.

در این کتاب واژه‌های dynamism و dynamic در همه موارد به «پویایی» و «پویا» برگردانده شده که برای آن مفهوم به هیچ‌وجه کافی نیست. عبارت ص ۱۵۲، س ۲۵، به بعد و نیز ص ۱۵۴، س ۲، به بعد کاملاً آشکار می‌کند که ترجمه مزبور تا چه اندازه نارساست و برای آن باید از واژه «توانمند» و «توانمندی» استفاده کرد. در ترجمه اصطلاح non-temporal تلونی در این کتاب به چشم می‌خورد، مثلاً در ص ۱۳، س ۵ و ص ۱۸۳، س ۱۸، به «نازودگذر» ترجمه شده و در ص ۸۴، س ۲، به «ناگذرا» (؟). مورد اول را بهتر بود که به «فارغ از زمان» یا «نامقید به زمان» ترجمه می‌کردند و مورد دوم را به «پایدار» یا «غیرموقت». در ص ۱۱۶، س ۲۱ و ص ۱۲۲، س ۲، نیز اصطلاح مشابه a-temporal به «بی‌گذر» (؟) ترجمه شده که بهتر بود به «بی‌زمان» برگردانده می‌شد. نگارنده دریافت که چرا paranormat در این کتاب به «ماوراءطبیعی» ترجمه شده است؟ (از جمله در ص ۸۷، عنوان بخش و پاورقی ۱؛ ص ۸۹، س ۲ و ۲۳). در ص ۹۷، س ۴ و ۵، in concreto را به «به صورت یک کل به هم پیوسته» ترجمه کرده‌اند که معنی درست آن «به طور عینی»، «بواقع» یا «باتن جسمانی» است؛ جالب توجه اینکه در همان ص و کمی پایینتر concrete را به «عینی» ترجمه کرده‌اند. در ص ۱۱۵، س ۲۵، مقصود از «هفت آسمان سیاره‌ای» (؟)، «هفت‌فلک» است و در ص ۲۶ مقصود از «امپرین» (؟) «فلک‌الافلاک»

در ص ۱۴۰، س ۴، limiting case به «عسرت» (؟) ترجمه شده و در ص ۲۳۷، س ۷، limiting situation به «وضعیتی مقید». در این صفحه، مترجم محترم در توضیحی که در پاورقی درباره این اصطلاح مرقوم داشته‌اند احتمال داده‌اند که نویسنده (= میرچالایاده) دچار اشتباه شده و می‌خواسته unlimiting situation بنویسد!! حقیقت این است که مؤلف تعبیر دقیقی به کار برده و مقصود او «موقعیت حدی» در اصطلاح یاسپرس است.

در ص ۱۷۲، س ۱۲، substantial را «مادی» ترجمه کرده‌اند و در ص ۲۳۶، س ۱۷، intellectual sub... را «ماده‌ای هوشمند». به نظر می‌رسد که مورد اول را باید «جوهری» و مورد دوم را «جوهر عقلانی» ترجمه کرد. در ص ۱۷۴، س ۱۱، «مولود» در ترجمه Genetrix آمده که صحیح آن «مادر» یا «والده» است. در ص ۲۴۰،

س ۲۱، Sirius به «کاروان کش» برگردانده شده که معادل متداول آن «سعرای یمانی» با «شبهانگ» است. در ص ۲۴۶، س ۱۲، به واژه «تاریخیت» (؟) برمی‌خوریم، و مقصود از آن «تاریخگرایی» یا «اصالت تاریخ» (historicism) است. در ص ۲۳۳، س ۱۴، «صفحه‌ی سیاه» (؟) غلط و «لوح‌ساده» (blank page) صحیح است. در ص ۲۳۹، عنوان فصل (a test-case) را به «موردی آزمایشی» ترجمه کرده‌اند (و در فهرست کتاب اصلاً نیامده است). test-case اصطلاح حقوقی است و به معنای دعوی است که رسیدگی به آن تکلیف دعاوی دیگری را که شامل همان مسأله قانونی است معین می‌کند (و فصل‌نهایی کتاب دقیقاً همین هدف را تعقیب می‌کند). اصطلاح مزبور را به «دعوی نمونه» برگردانده‌اند، شاید «دعوی ملاک» هم بتوان گفت.

○ چند نمونه از اشکال مربوط به ترجمه اصطلاحات تخصصی ادیان در این زمینه نخست به چند اشکال کلی اشاره می‌کنیم و سپس به موارد جداگانه می‌پردازیم.

واژه mystery در همه جا به «راز» ترجمه شده و طبیعی است که جمع آن «رازها» باشد، اما این اصطلاح همه جا بدان معنی نیست و بسیاری وقتها - به ویژه در این کتاب - به معنای «آیین سری» است مثلاً در ص ۱۹۷، عنوان فصل، ص ۲۰۰، س ۳، ص ۲۰۵، س ۱ و... باید به «آیین سری» ترجمه می‌شد؛ جالب توجه اینکه گاه مترجم محترم احساس کرده‌اند که واژه «راز» رسا نیست و به جای آن «راز و رمز» گفته‌اند. به هر حال، نگارنده تصور می‌کند که مترجم اصولاً با مقوله «آیینهای سری» آشنایی نداشته‌اند و ظاهراً به واژه «راز» علاقه بسیاری داشته‌اند، زیرا اصطلاح initiation را نیز به «رازآموزی» ترجمه کرده‌اند، زیرا احتمالاً از کاربرد دینی آن اطلاع نداشته‌اند. initiation (که به «تشریف» یا «تحرم» ترجمه می‌شود) انجام آدابی است که در اغلب دینهای جهانی، برای ورود به حلقه پذیرفته شده بیرون ضروری به شمار می‌آید و در اکثر موارد هیچ ربطی به آموزش راز ندارد. خوانندگان می‌توانند به ص ۲۰۴، س ۷، متن مورد بحث مراجعه کنند تا نارسایی این ترجمه را لمس کنند.

نمونه‌ی دیگر واژه ritual است که تا جایی که نگارنده دیده است به «آیینی» ترجمه شده و جمع آن به صورت «آیینها» آمده است. در ص ۲۱۱، س ۷، rite را به «آیین» و cult را به «مناسک» برگردانده‌اند که کاملاً برعکس است. آیین در زبان فارسی معنایی گسترده‌تر از آداب، مناسک و شعائر دارد و شامل جنبه‌های اعتقادی نیز می‌شود، لذا به هیچ‌وجه برای آن اصطلاح مناسب نیست و خواننده‌ای که نداند این واژه در مقابل ritual آمده کاملاً گمراه خواهد شد. مورد دیگری که به لحاظی مشابه با آن مورد

است ترجمه god به «ایزد» و goddess به «ایزدبانو» است. واژه‌های ایزد و ایزدبانو در دین مزدایی و فرهنگ ایران باستان کاربرد خاص خود را دارد و استعمال آنها به جای «خدا» و «خدایان/خدای مادینه/خدای مؤنث» نزد اقوام و ملل دیگر باعث خلط مفاهیم خواهد شد.

ظاهراً قاعده در این کتاب بر این بوده که incarnate و مشتقات آن به «تناسخ» (؟) ترجمه شود (مثلاً در ص ۳۱، س ۲۱). ترجمه درست آن «تجسد» و در مواردی نیز «حلول» است (مثلاً در ص ۱۶۷، س ۵ و ۸ حلول مناسبتر است). قطعاً مترجم محترم می‌دانسته‌اند که این واژه‌ها در ترجمه اصطلاح مزبور به کار می‌رود، اما ظاهراً از معنای «تناسخ» آگاهی نداشته‌اند، و گرنه این طور نابجا آن از به کار نمی‌بردند. مورد دیگر ترجمه chaos به «هرج و مرج» است. شاید بتوان این ترجمه را در موارد استثنایی پذیرفت (مثلاً ص ۱۳، س ۱۶)، اما به عنوان یک اصطلاح دینی «هرج و مرج» برای chaos (در مقابل cosmos) ابدأ رسا نیست. ترجمه transcend نیز از همین زمره است. معمولاً این اصطلاح به «فزان» و «فزان رفتن» ترجمه شده (مثلاً در ص ۱۱۲، س ۷ و ۹) و در ص ۱۱۴، س ۷ به «فراسو رفتن» برگردانده شده است؛ بر همین قیاس «فراروی» است که در ص ۱۲۴، س ۸ و ۱۰ به جای transcendence به کار رفته است. نمی‌دانم به نظر مترجم محترم واژه‌های «تعالی» و «استعلاء» چه اشکالی داشت که از الفاظی غیر تخصصی و دارای کاربرد عام برای معنایی بسیار ویژه استفاده کرده‌اند. در ص ۴۶، س ۳ و ۵، dema را به «تن‌ساز» ترجمه کرده‌اند؛ حال آنکه در اصطلاح یونان، dema به معنی دارای جسم و بدن (تئومند) است. در ص ۵۳، س ۱۳، pteromatic را «کمال بخشنده» ترجمه کرده‌اند، در حالی که «سرشار از کمال» و به ویژه «سرشار از کمال الهی» درست‌تر است. در ص ۵۹، س ۶، «عصر مینوی» را به جای paradisiac epoch به کار برده‌اند. «مینو» در فرهنگ ایران باستان و دین کهن ایرانی معنای خاص خود دارد و باید در جای خود به کار برود؛ جالب توجه اینکه در همان صفحه ۵۷، چند س پایتتر به جای آن از الفاظ «بهشت» و «بهشتی» استفاده کرده‌اند.

در ص ۷۱، س ۱، پس از نام «اشعیاء» و در ص ۱۴۵، س ۷، پس از نقل بخشی از کتاب «اشعیاء» به این عبارت عجیب برمی‌خوریم: «بنی اسرائیل» و «بنی اسرائیل» (؟). بر نگارنده معلوم نشد که مقصود از «اشعیاء بنی اسرائیل» چیست و چرا مترجم محترم «بنی اسرائیل» را بدان افزوده‌اند؛ شاید می‌خواستند کسی فراموش نکند که اشعیاء از پیامبران بنی اسرائیل بوده و در این مورد به اشتباه نیفتد!! در ص ۸۳، س ۱۳، و جاهای دیگر، مقصود از «تائترالیسم» و «تائترالیسم»، «آیین تتره» است. در ص ۹۹،

○ چند نمونه از موارد ترجمه نشده

در این کتاب موارد بسیاری دیده می‌شود که کلمات و عبارات لاتینی یا آلمانی در خلال متن فارسی آمده و اغلب ترجمه نشده است. به طوری که درک معنای بسیاری از جملات یا دشوار و یا غیرممکن می‌شود. اگر کسی زبان لاتین نداند ممکن است نفهمد که جمله «از نظر یک مسیحی، عیسی در مقابل او می‌میرد و hic et nunc رستاخیز می‌کند» (ص ۳۱، ۸ و ۹) یا جمله «... و ورود دوباره‌ی او را به illud tempus که در اسطوره‌های بهشت توصیف شده...» (ص ۶۲، ۷ و ۸) یعنی چه؟ در ص ۱۳۷، یک س به آخر و ص ۱۸۶، ۱۸، dii otiosi ترجمه نشده، در ص ۱۵۲، ۱۹، deus otiosus - که مفرد آن است - به «خدای بی تفاوت» ترجمه شده است (که ظاهراً «خدای فارغ‌البال» بهتر از آن است). موارد ترجمه نشده البته فراوان است، ولی بعضی موارد نیز ترجمه شده است، مثلاً ص ۲۱، ۱۵، ص ۲۱۴، ۴ که sine qua non را به «مطلقاً ناگزیر» ترجمه کرده‌اند و صحیح است. مواردی نیز هست که هم ترجمه شده و هم نشده و مثال بارز آن illud tempus و in illo tempore است که در بیشتر موارد ترجمه نشده است، ولی در مواردی نیز ترجمه شده؛ مثلاً در ص ۱۷، ۱۵، عبارت اخیر به «در زمان سرآغاز» ترجمه شده و در ص ۳۴، ۱۳، به «در سرآغاز» برگردانده شده است. به هر حال، عبارت نخست به معنی «آن زمان» و عبارت بعدی «در آن زمان» است؛ این مفهوم را از عبارت «The illud tempus of the beginnings» (ص ۵۵، ۲۸ متن اصلی کتاب که در ص ۵۶، ۸ متن فارسی، بدون ترجمه رها شده) می‌توان فهمید.

✱

در پایان بد نیست که به یکی دو نکته درباره پاورقیهای کتاب اشاره کنیم و سخن را به پایان بریم. مترجم محترم پاورقیهایی از خود در این اثر گنجانده‌اند که بعضاً مفید است. لکن متأسفانه در هیچ‌جا به صراحت مشخص نکرده‌اند که پاورقی از خود ایشان است و از مؤلف نیست. مثلاً در ص ۳۹، پاورقی ۲، قولی از «کتاب اشعیاء» نقل شده که در اصل کتاب موجود نیست و باید از مترجم محترم باشد. لکن نگارنده هر چه کوشید نتوانست رابطه آن را با متن بیابد. نکته جالب توجه دیگر این است که در اصل کتاب، در بسیاری از پاورقیها که ارجاع به کتب منبع نویسنده است، پس از شماره صفحه مورد استفاده، علامت اختصاری f. یا ff. آمده که به معنی صفحه یا صفحات بعد از آن است. اما مترجم محترم که خود رامتهقد به ترجمه پاورقیها هم دیده‌اند (و این شایسته تحسین است) متأسفانه قریب ۹ سطر از پاورقی شماره ۲ در صفحه ۲۲۸ را ترجمه نکرده‌اند. چرا؟ نمی‌دانم.

س ۱۲ و ص ۱۲۵ (عنوان بخش)، hierophany را به «تجلی تقدّس» و در ص ۱۲۷، ۲، به «تجلی مقدّس» ترجمه کرده‌اند که «تجلی امر قدسی» بهتر است. در ص ۱۲۵، س آخر و ص ۱۳۳، ۱۷، theology را به «دین‌شناسی» (!؟) ترجمه کرده‌اند؛ معلوم نیست این‌گونه ابداعات در ترجمه کار را به کجا خواهد رساند.

در ص ۱۲۶، ۱۰، tremendum را به «عظیم» برگردانده‌اند و در همان ص، ۲۴، به «عظمت» که اصولاً «خوفناک» صحیح است، درحالی‌که به جای majesty و majestas (در همان ص) به «جبروت» ترجمه کرده‌اند «عظمت» بهتر است، چنانکه در ص ۱۵۵، ۱۵، آن را به «جلال» برگردانده‌اند. در همان ص ۱۲۶، ۱۲، fascinans را به «افسون‌کننده» ترجمه کرده‌اند که «جذب‌کننده» به نظر صحیحتر می‌آید؛ در ص ۱۵۵، ۱۶، همین واژه به «فریبندگی» ترجمه شده که معلوم نیست چه سبب دارد. در ص ۱۲۶، ۱۷، نیز به اصطلاح مهم numinous برمی‌خوریم که «ماوراءطبیعی» (!؟) ترجمه شده است؛ این اصطلاح به معنای «امرعلوی» یا «لاهوئی» است. در ص ۱۲۸، عنوان بخش «مانا و کراتوفانی» (ها) باید بشود: «مانا و تجلیهای نیرو» در همان ص، ۱۱، all-powerful را به «همه قدرتمند» (!؟) برگردانده‌اند که نمونه دیگری است از ترجمه واژه به واژه.

در ص ۱۳۹، یک س به آخر، «خدمت خواهیم کرد» باید «عبادت خواهیم کرد» باشد و کاش برای ترجمه بخشهای منقول از «کتاب مقدس» (ص فوق و ص ۱۴۴ و ۱۴۵) لااقل به ترجمه فارسی آن مراجعه می‌کردند تا چنین ترجمه‌های دل‌آزاری ارائه نمی‌شد. در ص ۱۴۲، ۲۰، «سومه» (Soma) را «کالبد» پنداشته و به این ترجمه غریب رسیده‌اند: «جذب کمیتهای افسانه‌های کالبدها» که در واقع «جذب مقادیر افسانه‌ای از سومه» است. نمونه دیگر از ترجمه خارق‌العاده، برگرداندن واژه paganum به «دین‌گرایی ابتدایی» است (ص ۱۴۵، ۱۳). «امر قدسی» یا «مقدس» (The sacred) (ص ۹۹، ۱۳) به «تقدّس» و در ص ۲۲۷، ۲۲، به «قداست» ترجمه شده، و به این ترتیب عجیب نیست که sacredness را در ص ۱۵۴، ۱۳ به «تقدیس» برگردانده باشند - که در این مورد البته «تقدّس» درست است. معنای carnal البته «جسمانی» است، نه «نفسانی» که در ص ۱۵۷، ۱۱ آمده، و hierogamy در ص ۱۷۷، ۱۰، به «تجلی اتحاد» (!؟) ترجمه شده که بی‌معنی است و در جاهای دیگر هم آن را به «ازدواج مقدس» برگردانده‌اند. در ص ۱۸۰، ۱۵ و ۱۶، «برشیت ربّاً» تبدیل شده است به «رابای Rabbā بره‌شیت Bere shit» و بالأخره در ص ۲۳۶، ۳، آمده: «قدیس پل در اثرش نامه‌ای به تیتوس...»؛ شاید مترجم محترم نمی‌دانستند که مقصود «رساله پولس به تیتوس (= تیتوس، در ترجمه فارسی کتاب مقدس)» است.